

یسوع یُعین سبعین ویرسلهم

¹ وَبَعَثَ ذَلِكَ عَيْنَ الرَّبِّ سَبْعِينَ آخَرِينَ أَيْضًا وَأَرْسَلَهُمْ اثْنَيْنِ أَمَامَهُ وَجْهَهُ إِلَى كُلِّ مَدِينَةٍ وَمَوْضِعٍ حَيْثُ كَانَ هُوَ مُرْمَعًا أَنْ يَأْتِي. ² فَقَالَ لَهُمْ: إِنَّ الْحَصَادَ كَثِيرٌ وَلَكِنَّ الْقَعْلَةَ قَلِيلُونَ، قَاطِبُوا مِنِّي رَّبِّ الْحَصَادِ أَنْ يُرْسِلَ قَعْلَةً إِلَى حَصَادِهِ. ³ إِذْهَبُوا، هَا أَنَا أَرْسِلُكُمْ مِثْلَ خُمَلَانٍ بَيْنَ ذَنَابٍ. ⁴ لَا تَحْمِلُوا كِبَسًا وَلَا مِرْوَدًا وَلَا أَحْذِيَّةَ وَلَا تُسَلِّمُوا عَلَى أَحَدٍ فِي الطَّرِيقِ. ⁵ وَأَيُّ بَيْتٍ دَخَلْتُمُوهُ فَقُولُوا أَوَّلًا: سَلَامٌ لِهَذَا الْبَيْتِ. ⁶ فَإِنْ كَانَ هُنَاكَ ابْنُ السَّلَامِ يَحِلُّ سَلَامُكُمْ عَلَيْهِ وَإِلَّا فَيَرْجِعْ إِلَيْكُمْ. ⁷ وَأَقِيمُوا فِي ذَلِكَ الْبَيْتِ أَكْلِينَ وَشَارِبِينَ مِمَّا عِنْدَهُمْ، لِأَنَّ الْقَاعِلَ مُسْتَحَقُّ أَجْرِهِ، لَا تَسْقِلُوا مِنْ بَيْتٍ إِلَى بَيْتٍ. ⁸ وَأَيُّهُ مَدِينَةٍ دَخَلْتُمُوهَا وَقِيلَ لَكُمْ فَكُلُوا مِمَّا بَقَدَّمَ لَكُمْ. ⁹ وَاسْقُوا الْمَرْضَى الَّذِينَ فِيهَا، وَقُولُوا لَهُمْ: قَدْ اقْتَرَبَ مِنْكُمْ مَلَكُوتُ اللَّهِ. ¹⁰ وَأَيُّهُ مَدِينَةٍ دَخَلْتُمُوهَا وَلَمْ يَقْبَلُوكُمْ فَاحْزِنُوا إِلَى شَوَارِعِهَا وَقُولُوا: ¹¹ حَتَّى الْعُبَارُ الَّذِي لَصِقَ بِتَا مِنْ مَدِينَتِكُمْ تَنْفُضُهُ لَكُمْ، وَلَكِنْ اغْلُمُوا هَذَا: أَنَّهُ قَدْ اقْتَرَبَ مِنْكُمْ مَلَكُوتُ اللَّهِ. ¹² وَأَقُولُ لَكُمْ: إِنَّهُ يَكُونُ لِسُدُومَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ خَالَةٌ أَكْثَرُ اخْتِمَالًا مِمَّا لِنِتْلِكَ الْمَدِينَةِ.

یسوع يُحذِّر المدن العاصية

¹³ وَيْلٌ لَكَ، يَا كُورَازِينَ، وَيْلٌ لَكَ، يَا بَيْتَ صَيْدَا، لِأَنَّهُ لَوْ ضِيعَتْ فِي صُورَ وَصَيْدَاءَ الْقُوَّاتِ الْمَصْنُوعَةُ فَيَكُمَا لَتَابَتَا قَدِيمًا جَالِسَتَيْنِ فِي الْمُسُوحِ وَالرَّمَادِ. ¹⁴ وَلَكِنَّ صُورَ وَصَيْدَاءَ يَكُونُ لَهُمَا فِي الدِّينِ خَالَةٌ أَكْثَرُ اخْتِمَالًا مِمَّا لَكُمَا. ¹⁵ وَأَنْتِ، يَا كَفَرَتَا حُومَ الْمُزْفِعَةِ إِلَى السَّمَاءِ، سَيُهْبِطِينَ إِلَى الْهَابِوَةِ. ¹⁶ الَّذِي يَسْمَعُ مِنْكُمْ يَسْمَعُ مِنِّي، وَالَّذِي يُرْذِلُكُمْ يُرْذِلُنِي، وَالَّذِي يُرْذِلُنِي يُرْذِلُ الَّذِي أَرْسَلَنِي.

فرح و سلطان الرسل و يسوع بحمد الآب

¹⁷ فَرَجَعَ السَّبْعُونَ بِفَرَحٍ قَانِلِينَ: يَا رَبِّ، حَتَّى الشَّيَاطِينُ تَخْضَعُ لَنَا بِاسْمِكَ. ¹⁸ فَقَالَ لَهُمْ: رَأَيْتُمُ الشَّيَاطَانَ سَاقِطًا مِثْلَ النَّبْزِ مِنَ السَّمَاءِ. ¹⁹ هَا أَنَا أُعْطِيكُمْ سُلْطَانًا لِيَذْهَبُوا إِلَى الْبَابِ وَالْعَقَارِبِ وَكُلِّ قُوَّةِ الْعَدُوِّ وَلَا يَضُرُّكُمْ شَيْءٌ. ²⁰ وَلَكِنْ لَا تَفْرَحُوا بِهَذَا أَنَّ الْأَرْوَاحَ تَخْضَعُ لَكُمْ بَلْ افْرَحُوا بِالْحَرِيِّ أَنَّ أَسْمَاءَكُمْ كُتِبَتْ فِي السَّمَاءَاتِ. ²¹ وَفِي تِلْكَ السَّاعَةِ تَهَلَّلَ يَسُوعُ بِالرُّوحِ وَقَالَ: أَحْمَدُكَ أَيُّهَا الْآبُ، رَبُّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، لِأَنَّكَ أَحَقَّيْتَ هَذِهِ عَيْنِ

مأموريت هفتاد نفر توسط عيسى

¹ و بعد از این امور، خداوند هفتاد نفر دیگر را نیز تعیین فرموده، ایشان را جفت جفت پیش روی خود به هر شهری و موضعی که خود عزیمت آن داشت، فرستاد. ² پس بدیشان گفت: حصاد بسیار است و عمله کم. پس از صاحب حصاد درخواست کنید تا عمله‌ها برای حصاد خود بیرون نماید. ³ بروید، اینک، من شما را چون بره‌ها در میان گرگان می‌فرستم. ⁴ و کیسه و توشه‌دان و کفشها با خود برمدارید و هیچ‌کس را در راه سلام ننمایید، ⁵ و در هر خانه‌ای که داخل شوید، اوّل گوید سلام بر این خانه باد. ⁶ پس هرگاه این السلام در آن خانه باشد، سلام شما بر آن قرار گیرد و الاّ به سوی شما راجع شود. ⁷ و در آن خانه توقف ننمایید و از آنچه دارند بخورید و بیاشامید، زیرا که مزدور مستحقّ اجرت خود است و از خانه به خانه نقل مکنید. ⁸ و در هر شهری که رفتید و شما را پذیرفتند، از آنچه پیش شما گذارند بخورید. ⁹ و مریضان آنجا را شفا دهید و بدیشان گوید ملکوت خدا به شما نزدیک شده است. ¹⁰ لیکن در هر شهری که رفتید و شما را قبول نکردند، به کوچه‌های آن شهر بیرون شده بگوید: ¹¹ حتی خاکی که از شهر شما بر ما نشسته است، بر شما میافشانیم. لیکن این را بدانید که ملکوت خدا به شما نزدیک شده است. ¹² و به شما می‌گویم: که حالت سدوم در آن روز، از حالت آن شهر سهلتر خواهد بود.

¹³ وای بر تو، ای خورزین؛ وای بر تو، ای بیتصیدا، زیرا اگر معجزاتی که در شما ظاهر شد در صور و صیدون ظاهر می‌شد، هر آینه مدّتی در پلاس و خاکستر نشسته، توبه می‌کردند. ¹⁴ لیکن حالت صور و صیدون در روز جزا، از حال شما آسانتر خواهد بود. ¹⁵ و تو ای کفرناحوم که سر به آسمان افراشته‌ای، تا به جهنّم سرنگون خواهی شد. ¹⁶ آنکه شما را شنود، مرا شنیده و کسی که شما را حقیر شمارد، مرا حقیر شمرده و هر که مرا حقیر شمارد، فرستنده مرا حقیر شمرده باشد.

بازگشت و شادی مأموریت هفتاد نفر

¹⁷ پس آن هفتاد نفر با خرّمی برگشته، گفتند: ای خداوند، دیوها هم به اسم تو اطاعت ما

می‌کنند.¹⁸ بدیشان گفت: من شیطان را دیدم که چون برق از آسمان می‌افتد.¹⁹ اینک، شما را قوت می‌بخشم که ماران و عقربها و تمامی قوت دشمن را پایمال کنید و چیزی به شما ضرر هرگز نخواهد رسانید.²⁰ ولی از این شادی مکنید که ارواح اطاعت شما می‌کنند بلکه بیشتر شاد باشید که نامهای شما در آسمان مرقوم است.

²¹ در همان ساعت، عیسی در روح وجد نموده گفت: ای پدر مالک آسمان و زمین، تو را سپاس می‌کنم که این امور را از داناان و خردمندان مخفی داشتی و بر کودکان مکشوف ساختی. بلی ای پدر، چونکه همچنین منظور نظر تو افتاد.²² و به سوی شاگردان خود توجه نموده گفت: همه چیز را پدر به من سپرده است. و هیچ کس نمی‌شناسد که پسر کیست، جز پدر و نه که پدر کیست، غیر از پسر و هر که پسر بخواهد برای او مکشوف سازد.²³ و در خلوت به شاگردان خود التفات فرموده، گفت: خوشابحال چشمانی که آنچه شما می‌بینید، می‌بینند.²⁴ زیرا به شما می‌گویم: بسا انبیا و پادشاهان می‌خواستند آنچه شما می‌بینید، بنگردند و ندیدند و آنچه شما می‌شنوید، بشنوند و نشنیدند.

مَثَلِ سامری نیکو

²⁵ ناگاه یکی از فقها برخاسته، از روی امتحان به وی گفت: ای استاد، چه کنم تا وارث حیات جاودانی گردم؟²⁶ به وی گفت: در تورات چه نوشته شده است؟ و چگونه می‌خوانی؟²⁷ جواب داده، گفت: اینکه خداوند خدای خود را به تمام دل و تمام نفس و تمام توانایی و تمام فکر خود محبت نما و همسایه خود را مثل نفس خود.²⁸ گفت: نیکو جواب گفتی. چنین بکن که خواهی زیست.²⁹ لیکن او چون خواست خود را عادل نماید، به عیسی گفت: و همسایه من کیست؟³⁰ عیسی در جواب وی گفت: مردی که از اورشلیم به سوی اریحا می‌رفت، به دستهای دزدان افتاد و او را برهنه کرده، مجروح ساختند و او را نیم مرده واگذارده، برفتند.³¹ اتفاقاً کاهنی از آن راه می‌آمد، چون او را بدید از کناره دیگر رفت.³² همچنین شخصی لاوی نیز از آنجا عبور کرده، نزدیک آمد و بر او نگریسته از کناره دیگر برفت.³³ لیکن شخصی سامری که مسافر بود، نزد وی آمده، چون او را بدید، دلش بر وی بسوخت.³⁴ پس پیش آمده، بر زخمهای او روغن و شراب ریخته، آنها

الْحُكَمَاءَ وَالْمُهَمَّاءَ وَأَعْلَنَهَا لِلْأَطْفَالِ. تَعْمَ، أَيُّهَا الْآبَ، لَأَنْ هَكَذَا صَارَتْ الْمَسَرَّةُ أَمَامَكَ.²² وَالْتَقَتْ إِلَيَّ تَلَامِيذُهُ وَقَالَ: كُلُّ شَيْءٍ قَدْ دُفِعَ إِلَيَّ مِنْ أَبِي، وَلَيْسَ أَحَدٌ يَعْرِفُ مَنْ هُوَ الْإِنْسَانُ إِلَّا الْآبَ، وَلَا مَنْ هُوَ الْآبَ إِلَّا الْإِنْسَانُ، وَمَنْ أَرَادَ الْإِنْسَانُ أَنْ يُعْلِنَ لَهُ.²³ وَالْتَقَتْ إِلَيَّ تَلَامِيذُهُ عَلَى الْفَرَادِ وَقَالَ: طُوبَى لِلْعُيُونِ الَّتِي تَنْظُرُ مَا تَنْظُرُونَهُ.²⁴ لَأَقُولَ لَكُمْ: إِنَّ أَتْبَاءَ كَثِيرِينَ وَمُلُوكًا أَرَادُوا أَنْ يَنْظُرُوا مَا أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ وَلَمْ يَنْظُرُوا وَأَنْ يَسْمَعُوا مَا أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ وَلَمْ يَسْمَعُوا.

مثل السامري الصالح

²⁵ وَإِذَا تَامُوسِي قَامَ يُجَرِّبُهُ قَائِلًا: يَا مُعَلِّمُ، مَاذَا أَعْمَلُ لَأَرْتِ الْحَيَاةَ الْآبَتِيَّةَ؟ فَقَالَ لَهُ: مَا هُوَ مَكْنُوبٌ فِي التَّامُوسِ؟ كَيْفَ تَقْرَأُ؟ فَأَجَابَ وَقَالَ: "يُحِبُّ الرَّبَّ إِلَهَكَ مِنْ كُلِّ قَلْبِكَ وَمِنْ كُلِّ نَفْسِكَ وَمِنْ كُلِّ قُدْرَتِكَ وَمِنْ كُلِّ فِكْرِكَ وَقَرِيبَكَ مِثْلَ نَفْسِكَ".²⁸ فَقَالَ لَهُ: بِالصَّوَابِ أَجَبْتَ، أَفَعَلْ هَذَا فَتَحْبَا.²⁹ وَأَمَّا هُوَ فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يُبَرِّرَ نَفْسَهُ قَالَ لِيَسُوعَ: وَمَنْ هُوَ قَرِيبِي؟³⁰ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ: إِنْسَانٌ كَانَ تَارِلًا مِنْ أَوْرُشَلِيمَ إِلَى أَرِيحَا قَوَّعَ بَيْنَ لُصُوصٍ، فَعَرَّوهُ وَجَرَّحُوهُ وَمَصَّوْا وَتَرَكَوهُ بَيْنَ حَيٍّ وَمَيِّتٍ.³¹ فَعَرَّضَ أَنْ كَاهِنًا تَرَلَّ فِي تِلْكَ الطَّرِيقِ، فَزَاهُ وَجَارَ مُقَابِلَهُ.³² وَكَذَلِكَ لَأَوِيٍّ أَيْضًا، إِذْ صَارَ عِنْدَ الْمَكَانِ جَاءَ وَنَظَرَ وَجَارَ مُقَابِلَهُ.³³ وَلَكِنَّ سَامِرِيًّا مُسَافِرًا جَاءَ إِلَيْهِ، وَلَمَّا رَاهُ تَحَنَّنَ،³⁴ فَتَقَدَّمَ وَصَمَدَ جِرَاحَاتِهِ وَصَبَّ عَلَيْهَا زَيْتًا وَخَمْرًا وَأَرْكَبَهُ عَلَى دَابَّتِيهِ وَأَتَى بِهِ إِلَى فُنْدُقٍ وَاعْتَنَى بِهِ.³⁵ وَفِي الْغَدِ لَمَّا مَضَى أَخْرَجَ دِيَّارَيْنِ وَأَعْطَاهُمَا لِصَاحِبِ الْفُنْدُقِ وَقَالَ لَهُ: اعْتِنِ بِهِ، وَمَهْمَا أَتَيْتَ أَكْثَرَ فَعِنْدَ رُجُوعِي أَوْفِيكَ.³⁶ فَأَيُّ هَؤُلَاءِ الثَّلَاثَةِ تَرَى صَارَ قَرِيبًا لِلَّذِي وَقَعَ بَيْنَ اللَّصُوصِ؟ فَقَالَ: الَّذِي صَنَعَ مَعَهُ الرَّحْمَةَ. فَقَالَ لَهُ يَسُوعُ: اذْهَبْ أَنْتَ أَيْضًا وَاصْنَعْ هَكَذَا.

مرنا ومريم

³⁸ وَفِيمَا هُمْ سَائِرُونَ دَخَلَ قَرْيَةً فَقَبِلَتْهُ امْرَأَةٌ اسْمُهَا مَرْثَا فِي بَيْتِهَا.³⁹ وَكَانَتْ لِهَذِهِ أَحْتٌ، تُدْعَى مَرْثَمَ، الَّتِي جَلَسَتْ عِنْدَ قَدَمَيْ يَسُوعَ وَكَانَتْ تَسْمَعُ كَلَامَهُ.⁴⁰ وَأَمَّا مَرْثَا فَكَانَتْ مُزْتَبَكَةً فِي خِدْمَةِ كَثِيرَةٍ. فَوَقَفَتْ وَقَالَتْ: يَا رَبِّ، أَمَّا بُنَايَ يَا أَحْتِي قَدْ تَرَكَتْنِي أَحْدِمُ وَخِدِي؟ فَقُلْ لَهَا أَنْ يُعِينَنِي.⁴¹ فَأَجَابَ يَسُوعُ وَقَالَ لَهَا: مَرْثَا، مَرْثَا، أَنْتِ تَهْتَمِينَ وَتَضْطَرِينَ لِأَجْلِ أُمُورٍ كَثِيرَةٍ، وَلَكِنَّ الْحَاجَةَ

إِلَى وَاحِدٍ، فَاخْتَارَتْ مَرْيَمُ النَّصِيبَ الصَّالِحَ الَّذِي لَنْ يُنَزَعَ مِنْهَا.

را بست و او را بر مرکب خود سوار کرده، به کاروانسرای رسانی و خدمت او کرد.³⁵ بامدادان چون روانه می‌شد، دو دینار درآورده، به سرایدار داد و بدو گفت: این شخص را متوجه باش و آنچه بیش از این خرج کنی، در حین مراجعت به تو دهم.³⁶ پس به نظر تو کدام یک از این سه نفر همسایه بود با آن شخص که به دست دزدان افتاد؟³⁷ گفت: آنکه بر او رحمت کرد. عیسی وی را گفت: برو و تو نیز همچنان کن.

در منزل مرتاه و مریم

³⁸ و هنگامی که می‌رفتند، او وارد بلدی شد و زنی که مرتاه نام داشت، او را به خانه خود پذیرفت.³⁹ و او را خواهری مریم نام بود که نزد پایهای عیسی نشست، کلام او را می‌شنید.⁴⁰ اما مرتاه بجهت زیادتی خدمت مضطرب می‌بود. پس نزدیک آمده، گفت: ای خداوند، آیا تو را باکی نیست که خواهرم مرا واگذارد که تنها خدمت کنم؟ او را بفرما تا مرا یاری کند.⁴¹ عیسی در جواب وی گفت: ای مرتاه، ای مرتاه، تو در چیزهای بسیار اندیشه و اضطراب داری.⁴² لیکن یک چیز لازم است و مریم آن نصیب خوب را اختیار کرده است که از او گرفته نخواهد شد.